



13

Vol. 4
Spring 2024

Research Paper

Received:
03 March 2024
Revised:
23 November 2024
Accepted:
24 November 2024
Published:
25 November 2024
P.P: 11-46

ISSN: 2821-0247
E-ISSN: 2783-4743



RAND Corporation's Proposed Strategies to Counter the Regional Policies of the Islamic Republic of Iran (2021–2023, Based on the Rational Decision-Making Theory)¹

Bahador Nokandeh² | Amirhoshang Mirkoushesh³ | Mohammad Fazel Sadri⁴

DOR: 20.1001.1.28210247.1403.4.1.3.7

Abstract

Think tanks contribute to U.S. foreign policy through policy reports, academic articles, books, and advising policymakers. The United States perceives the Islamic Republic of Iran as an obstacle to its national interests in the West Asia region. To counter Iran's influence, American think tanks propose various strategies to U.S. foreign policy. The RAND Corporation, known for its interaction with U.S. military, security, and intelligence structures, its focus on framing Iran as an adversary, and its lobbying efforts within Congress and executive agencies, is considered one of the most credible think tanks studying Iran's policies.

This article focuses on RAND's reports from 2021 to 2023, which present various U.S. strategies to counter the regional influence of the Islamic Republic of Iran. Using MAXQDA2018 software and Corbin and Strauss's qualitative analysis model, open and axial coding were conducted to analyze these reports.

The main research question is: What strategies were proposed by RAND to counter Iran's regional influence between 2021 and 2023, and how can these strategies be analyzed within the rational decision-making framework?

The findings indicate that economic sanctions are cited most frequently in the reports as one of the most effective strategies. The theoretical framework analysis evaluates RAND's strategies toward Iran through the principles of rational choice theory. The central goal of these strategies is to contain and deter Iran's influence in the West Asia region, with a primary focus on cost-benefit analysis of policies, particularly economic sanctions and military deterrence.

Keywords: RAND Corporation, Foreign Policy, United States, Regional Policy, Islamic Republic of Iran.

1 This article is an excerpt from a doctoral dissertation in International Relations, Department of Political Science and International Relations, Islamic Azad University, Shahrood Branch.

2 PhD student in International Relations, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Shahrood Branch, Semnan, Iran.

3 Corresponding author: Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Islamic Azad University, Shahrood Branch, Semnan, Iran. kooshesh@gmail.com

4 Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Islamic Azad University, Shahrood Branch, Semnan, Iran.

Cite this Paper: Nokandeh' B, Mirkoushesh'A & Sadri'M. AND Corporation's Proposed Strategies to Counter the Regional Policies of the Islamic Republic of Iran... . American strategic studies, 13(4), 77–112.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0) .



راهبردهای پیشنهادی اندیشکده رند جهت مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای

جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳

(بر اساس نظریه تصمیم‌گیری عقلایی)^۱

بهادر نوکنده^۲ | امیر هوشنگ میرکوشش^۳ | محمدفاضل صدری^۴

۱۳

سال چهارم
بهار ۱۴۰۳

چکیده

اندیشکده‌ها در قالب گزارش‌های سیاستی، مقالات علمی، کتاب‌ها و ارائه مشاوره به سیاست‌گذاران حوزه سیاست خارجی آمریکا کمک می‌کنند. ایالات متحده آمریکا جمهوری اسلامی ایران را مانع منافع ملی خود در منطقه غرب آسیا می‌داند و اتاق‌های فکر آمریکا برای مهار نفوذ ایران، راهبردهای مختلفی را به سیاست خارجی ایالات متحده پیشنهاد می‌کنند. اندیشکده رند به دلیل تعامل با ساختارهای نظامی، امنیتی و جاسوسی ایالات متحده آمریکا، تمرکز بر روی مسئله ایران به عنوان طرح دشمن‌سازی و وجود لابی و تأثیرگذاری اش در پارلمان و نهادهای اجرایی آمریکا به عنوان یکی از معتبرترین نهادهای فکری آمریکا در زمینه مطالعه بر سیاست جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شود. مقاله بر گزارش‌های اندیشکده رند در سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ بر راهبردهای مختلف ایالات متحده در قبال نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران متمرکز شده‌اند. تحلیل این گزارش‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA2018 و بر اساس الگوی تحلیل کیفی کوربین و استراوس، کدگذاری‌های باز و محوری انجام گرفت. سوال اصلی تحقیق این است: برای مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران در فاصله سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ چه راهبردهای توسط اندیشکده رند پیشنهاد شده است و این راهبردها بر اساس چارچوب تصمیم‌گیری عقلایی چگونه قابل تحلیل است؟ نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند که تحریم اقتصادی به‌عنوان یکی از مؤثرترین راهبردها با بیشترین فراوانی در گزارش‌ها ذکر شده است. در تحلیل چارچوب نظری، راهبردهای اندیشکده رند در قبال ایران با استفاده از اصول انتخاب عقلایی تحلیل شده است. هدف مرکزی این راهبردها، مهار و بازدارندگی نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا است، که در آن تحلیل هزینه‌ها و فواید سیاست‌ها، به‌ویژه در مورد تحریم‌های اقتصادی و بازدارندگی نظامی، نقش محوری ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اندیشکده رند، سیاست خارجی، ایالات متحده آمریکا، سیاست منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

صص: ۶۸-۱۰۳

شماره چاپی: ۲۸۲۱-۰۲۴۷

الکترونیکی: ۲۷۸۳-۴۷۴۳



۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی رشته روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاداسلامی واحد شاهرود می‌باشد.

۲ دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاداسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران.

۳ نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاداسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران.
kooshesh@gmail.com

۴ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاداسلامی واحد شاهرود، سمنان، ایران.

استناد: نوکنده، بهادر؛ میرکوشش، امیر هوشنگ و صدری، محمدفاضل. (۱۴۰۳). راهبردهای پیشنهادی اندیشکده رند جهت مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ (بر اساس نظریه تصمیم‌گیری عقلایی). مطالعات

راهبردی آمریکا، ۱۳(۴)، ۶۸-۱۰۳. DOR: 20.1001.1.28210247.1403.4.1.3.7

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

اندیشکده‌ها نهادهایی با تعاریف متنوع و نقش‌های گسترده‌ای در شکل‌گیری سیاست خارجی ایالات متحده هستند و تأثیر چشمگیری بر فرآیندهای تصمیم‌گیری این کشور دارند. بسیاری از پژوهشگران علوم سیاسی معتقدند که توصیف عملکرد این مراکز علمی آسان‌تر از ارائه تعریفی جامع و دقیق از ماهیت آن‌هاست. این تنوع ناشی از تفاوت‌های ساختاری، منابع مالی، اهداف و وابستگی‌های این نهادهاست. دیان استون، پژوهشگر برجسته در مطالعات اندیشکده‌ها، آن‌ها را «مؤسسات مستقل سیاست‌گذاری عمومی» نامیده است، در حالی که دیگر پژوهشگران از عبارات «مغزهای امپریال» و «گروه‌های بحث سیاسی» برای اشاره به این مجموعه‌های فکری بهره گرفته‌اند (Little, 2016:4). این نهادها در طول نزدیک به یک قرن گذشته، نقش مهمی در پس‌صحنه سیاست‌گذاری آمریکا داشته‌اند و با ارائه ایده‌های نو، تأمین نیروی متخصص و ایجاد فضایی برای گفت‌وگو، بر تصمیم‌گیران آمریکایی تأثیرگذار بوده‌اند (Haass, 2002:8). یکی از محورهای اصلی مطالعات این مجموعه‌های فکری، بررسی کشورهایی است که نقش مهمی در سیاست‌های بین‌المللی ایالات متحده دارند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی منطقه‌ای، همواره در کانون توجه این نهادها بوده است. سیر تحول سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) آغاز شده و تاکنون به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و پرچالش‌ترین موضوعات سیاست‌گذاری ایالات متحده مطرح است. موقعیت راهبردی ایران، منابع نفتی و معدنی غنی و تضاد ساختاری سیاست‌های داخلی جمهوری اسلامی با منافع ایالات متحده، عواملی هستند که ایران را به چالشی مستمر برای سیاست‌مداران آمریکایی تبدیل کرده است (باوندی، ۱۴۰۰: ۳۵). در سال‌های اخیر، چالش‌های ناشی از سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران برای ایالات متحده ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. این چالش‌ها شامل نفوذ گسترده ایران در منطقه، حمایت از گروه‌های نیابتی و نقش‌آفرینی در معادلات امنیتی غرب آسیا می‌شود. در این میان، اندیشکده‌هایی نظیر بنیاد رند، که از مهم‌ترین نهادهای فکری مرتبط با امنیت ملی و بین‌المللی آمریکا هستند، به تدوین راهبردهایی برای مهار نفوذ ایران پرداخته‌اند. رند، به‌عنوان نهادی نزدیک به منظومه قدرت سیاسی آمریکا و مجتمع نظامی-صنعتی، همواره راهکارهایی برای مقابله با ایران

پیشنهاد کرده است (Schodek, 1988:40). این پژوهش با تمرکز بر دوره زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ به بررسی راهبردهای اندیشکده رند در قبال سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. انتخاب این بازه زمانی به دلیل تغییرات قابل توجه در سیاست خارجی آمریکا، تحولات داخلی ایران از جمله مذاکرات هسته‌ای و تغییرات در رهبری سیاسی، و نیز بحران‌های منطقه‌ای مانند جنگ اوکراین و تنش‌های غرب آسیا صورت گرفته است. تحریم‌های جدید، تلاش‌های دیپلماتیک و تغییرات ژئوپلیتیک منطقه‌ای از جمله عواملی هستند که بررسی این بازه را ضروری می‌سازند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل راهبردهای اتاق فکر رند در مواجهه با نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. پرسش اصلی این پژوهش این است که برای مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران در فاصله سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ چه راهبردهای توسط اندیشکده رند پیشنهاد شده است و این راهبردها بر اساس چارچوب تصمیم‌گیری عقلایی چگونه قابل تحلیل است؟ فرضیه اصلی این است که نهاد اندیشه‌ای رند با استفاده از مدل تصمیم‌گیری عقلایی، راهبردهایی نظیر تحریم اقتصادی، بازدارندگی نظامی و حمایت از مخالفان داخلی را به عنوان راهکارهای پیشنهادی برای مهار نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا مطرح کرده است.

۱- پیشینه پژوهش

بوگبریل (۲۰۱۲) در پایان نامه خود با عنوان «تأثیر اندیشکده‌ها بر سیاست خارجی ایالات متحده: مطالعه موردی رئیس‌جمهور اوباما و ایران»^۱ به بررسی نقش پیچیده اندیشکده‌ها در فرآیند سیاست‌گذاری خارجی ایالات متحده می‌پردازد. در این پژوهش، با استفاده از چارچوب‌های نظری والت و بالدوین، به شکاف میان نظریه، پژوهش و سیاست اشاره شده است و نقش اندیشکده‌ها در پر کردن این شکاف مورد بررسی قرار گرفته است. برای پاسخ به سؤالات پژوهش، دستورات اجرایی باراک اوباما و نمونه‌هایی از چهار اندیشکده مطرح (شورای روابط خارجی، مؤسسه بروکینگز، مؤسسه امریکن اینترپرایز و مرکز پیشرفت آمریکایی) تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اندیشکده‌ها با ارائه پژوهش‌ها و توصیه‌های سیاستی، در فرآیند تصمیم‌گیری سیاست خارجی نقش دارند. تأثیر این نهادها در تغییر رفتارهای سیاست خارجی در موضوعاتی مانند حقوق

1. The influence of think tanks on United States foreign policy: The case of President Obama and Iran

بشر در ایران و ترویج دیپلماسی به‌عنوان استراتژی سیاست خارجی مشخص شده است. همچنین، شباهت‌هایی میان پیشنهادات اندیشکده‌ها و تصمیمات دولت اوباما دیده می‌شود.

طالعی حور (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقش بنیاد دفاع از دموکراسی^۱ در سیاست خارجی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران» درباره تأثیر این نهاد بر روند تصمیم‌گیری در آمریکا بحث کرده است. طبق این پژوهش، پیش از حمله آمریکا به عراق، اتاق‌های فکر نومحافظه‌کار دولت را به این حمله ترغیب کردند و یکی از اتاق‌های فکری که نقش مهمی در سیاست‌گذاری آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران داشته است، بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها است. این بنیاد بدون توجه به تغییر دولت‌ها در آمریکا، همواره بر افزایش فشار بر ایران تمرکز داشته و در هر دولتی تلاش کرده است تا تحریم‌ها علیه ایران را تشدید کند.

ثمودی و رضا خواه (۱۳۸۸) در کتاب «اتاق‌های فکر و سیاست خارجی آمریکا» به بررسی اتاق‌های فکری که به لحاظ سیاسی در تدوین سیاست خارجی آمریکا تأثیرگذارند می‌پردازند و بیان می‌دارند که هریک از این مؤسسات علاقه وافری به انجام پروژه‌های تحقیقاتی و افزایش اثرگذاری خود بر سیاست‌مداران دارند و هرکدام از رویکرد و جایگاه خاصی برخوردار هستند و به بخش جدایی‌ناپذیر سیاست خارجی آمریکا و نقش این کشور در جهان تبدیل شده‌اند. نویسندگان در این کتاب عوامل شکل‌دهنده سیاست خارجی ایالات متحده را بررسی نموده و به تعاریف و تاریخچه اتاق‌های فکر، ساختارها و گرایش‌های اتاق‌های فکر آمریکا، شیوه‌های اثرگذاری اتاق‌های فکر، تربیت کادر متخصص برای حضور و نقش‌آفرینی در ساختارهای حکومتی، طبقه‌بندی اتاق‌های فکر، جهت‌گیری فلسفی و سیاسی، منابع عالی، ساختار و کارمندان، نحوه همکاری و تعامل اتاق‌های فکر با ارتش آمریکا، شورای روابط خارجی و... پرداخته‌اند.

گوهری مقدم (۱۳۹۹) در کتاب «سیاست خارجی آمریکا در عصر جدید (۱۹۰۰-۲۰۲۰)» که در ۳۴۰ صفحه نگارش شده است به شکل جامع به رویکردهای کلان به توضیح سیاست خارجی روسای جمهور آمریکا پرداخته است که این رویکردها به عنوان چارچوب اصلی سیاست خارجی در همه دوره‌های ایالات متحده مورد استفاده قرار می‌گیرد. کتاب نگارش شده در گام نخست به معرفی سازمان‌ها، اشخاص و نهادهای تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا پرداخته است. نویسنده این

1. Foundation for Defense of Democracies

کتاب معتقد است که اتاق‌های فکر ایالات متحده آمریکا با اجرای تحقیقات و برگزاری اجلاس‌های مختلف مسائل گسترده جهان را بررسی و نتایج بررسی خود را منتشر می‌کنند. اغلب محققان این مراکز علمی از وزرا، و کلا و سیاسیون سابق هستند که با ساختار سیاستگذاری آشنا هستند و می‌توانند مسائل را توصیف و پیش‌بینی کنند. حضور این متفکران در حلقه‌های بیرونی تصمیم‌گیری و یا حسب روابط با صاحب منصبان می‌تواند نقش جدی در جهت‌دهی سیاست خارجی آمریکا در حوزه مشخص داشته باشد.

معراجی (۱۴۰۰) در کتاب «نقش اندیشکده‌ها در سیاست خارجی آمریکا» به بررسی فعالیت و تأثیر اندیشکده‌های آمریکایی پرداخته است. این کتاب در سه فصل و ۱۷۰ صفحه، به نقش اندیشکده‌های امنیتی در ساختار قدرت و نهادهای تصمیم‌سازی ایالات متحده می‌پردازد. فصل اول کتاب به بررسی ساختار تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در سیاست خارجی ایالات متحده، از جمله نهادهای رسمی و غیررسمی، اختصاص دارد. فصل دوم به نقش اندیشکده‌های ایالات متحده در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی و امنیتی پرداخته و به بررسی تاریخی و ساختاری این نهادها می‌پردازد. در فصل سوم، به معرفی اندیشکده‌های مؤثر در زمینه‌های سیاسی و امنیتی مانند رند، کارتر و گروه بین‌المللی بحران پرداخته می‌شود. این کتاب، مقدمه‌ای برای ورود به دنیای اندیشکده‌های آمریکایی محسوب می‌شود. از منظر نویسنده این کتاب اندیشکده‌ها تأثیر قابل توجهی بر سیاست خارجی آمریکا دارند. نویسنده معتقد است این نهادها، که اغلب مستقل و غیرانتفاعی هستند، از طریق ارائه تحقیقات تخصصی، تحلیل‌های جامع و مشاوره‌های سیاست‌گذاری به دولت، نقشی حیاتی در شکل‌گیری تصمیمات سیاسی و امنیتی ایفا می‌کنند. آن‌ها به‌عنوان واسطه‌ای بین جوامع دانشگاهی و دولت عمل می‌کنند و به سیاست‌گذاران کمک می‌کنند تا با شناخت چالش‌ها و فرصت‌ها، تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند. این مؤسسات با شناسایی و ارزیابی مسائل داخلی و بین‌المللی، ایده‌ها و مشکلات نوظهور را به موضوعات سیاسی تبدیل می‌کنند و در آینده‌پژوهی تحولات و بحران‌ها نقش دارند. همچنین، آن‌ها با ارائه تفسیرهای قابل فهم از مسائل و سیاست‌ها برای رسانه‌های بین‌المللی، به بهبود درک عمومی از سیاست‌های داخلی و خارجی کمک می‌کنند. اما در حالی که بیشتر پژوهش‌های پیشین به بررسی نقش عمومی اندیشکده‌های آمریکایی در سیاست‌گذاری خارجی پرداخته‌اند و به صورت کلی تأثیر اندیشکده‌های مختلف را بر سیاست

خارجی آمریکا بررسی کرده‌اند. در مقابل، مقاله حاضر به صورت ویژه و متمرکز، راهبردهای اندیشکده رند در قبال سیاست منطقه‌ای ایران را تحلیل کرده است. پژوهش‌های پیشین بیشتر به تأثیر اندیشکده‌ها در سطح کلان سیاست‌گذاری پرداخته‌اند، مقاله حاضر مستقیماً گزارش‌های منتشر شده توسط اندیشکده رند را تحلیل کرده و استراتژی‌های خاص این نهاد در قبال ایران را مورد ارزیابی قرار داده است. این امر رویکرد عملی و مشخص تری نسبت به مطالعه‌های کلی تر دارد. مقاله پیش‌رو به سیاست‌های منطقه‌ای ایران به‌عنوان محور اصلی پرداخته است، در حالی که در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، بیشتر به مسائل حقوق بشر یا سیاست‌های داخلی ایران اشاره شده است. به طور کلی، نوآوری مقاله مذکور در تمرکز خاص بر یک اندیشکده خاص (رند) و تحلیل مستقیم گزارشات آن در ارتباط با ایران است که این رویکرد جزئی‌نگر و مشخص‌تر، تفاوت اصلی آن با پژوهش‌های پیشین است.

۲- روش پژوهش

این پژوهش به‌عنوان یک مطالعه کیفی از روش تحلیل محتوا بهره می‌گیرد. در این تحقیق از رویکرد تحلیل محتوای براون و کلارک استفاده شده است که شامل شش مرحله به شرح زیر است:

۱. آشنایی با داده‌های جمع‌آوری شده؛
۲. استخراج کدهای اولیه؛
۳. جستجوی مضامین و الگوها؛
۴. بازنگری و اصلاح مضامین و الگوها؛
۵. تعریف و نام‌گذاری مضامین؛ و در نهایت؛
۶. ارائه نتایج (Corbin, 2014: 7).

داده‌های جمع‌آوری شده از طریق نرم‌افزار MAXQDA2018 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های گزارش‌های اندیشکده رند بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ درباره سیاست منطقه‌ای ایران در دو مرحله کدگذاری باز و محوری در جداول مرتبط ارائه شده‌اند. در نهایت، نتایج تحلیل مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از روش تحقیق پژوهش توضیح داده می‌شود که چگونه این راهبردها بر اساس تصمیم‌گیری عقلانی تدوین شده‌اند.

۳- چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر «مدل بازیگر عقلایی»^۱ ترسیم شده است که در ادامه توضیحاتی پیرامون آن مطرح می‌گردد.

دهه ۱۹۵۰ و با آغاز جنگ سرد، نظریه انتخاب عقلایی به عنوان یک ابزار کلیدی برای تحلیل رفتار دولت‌ها در سیاست خارجی مطرح شد. این نظریه که ریشه در اقتصاد دارد، بر این فرض استوار است که دولت‌ها همانند افراد در بازار به دنبال بیشینه‌سازی منافع خود هستند. نظریه انتخاب عقلایی فرض می‌کند که دولت‌ها با انجام محاسبات دقیق هزینه و فایده، تصمیم‌هایی اتخاذ می‌کنند که بیشترین سود را برای آن‌ها به همراه داشته باشد. این دیدگاه بر اساس مدل «انسان اقتصادی» بنا شده است و در آثار محققانی همچون آلیسون و زلیکو بررسی شده و به‌طور مفصل توسط مایلز و کاهلر تحلیل شده است (جمشیدی، ۱۳۹۴: ۷۱). استفان فیشر^۲، نظریه انتخاب عقلایی را به عنوان تلاشی برای کشف قوانین کلی حاکم بر رفتار انسان در جامعه معرفی کرده است. این نظریه بر این باور است که رفتار افراد در نهایت به تعادلی می‌رسد که در آن هیچ فردی تمایلی به تغییر رفتار خود ندارد. تعادل مذکور زمانی حاصل می‌شود که هر فرد به‌طور مستقل در پی حداکثر کردن منافع شخصی خود باشد (کوچک‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۹). مدل عقلایی در تحلیل تصمیم‌گیری‌ها به بررسی دقیق هزینه‌ها و فواید انتخاب‌ها و اقدامات می‌پردازد. در این چارچوب، تصمیم‌گیرنده تلاش می‌کند با محاسبه دقیق این هزینه‌ها و فواید، بهترین گزینه را برای دستیابی به اهداف خود برگزیند (Camerer & Weber, 2013). این مدل از چند مؤلفه کلیدی تشکیل شده است:

۱. تعریف هزینه‌ها و فواید: هزینه‌ها شامل تمامی هزینه‌های مالی، زمانی، اجتماعی، و سیاسی مرتبط با یک تصمیم هستند. این هزینه‌ها ممکن است به صورت مستقیم (مثل هزینه‌های مالی) یا غیرمستقیم (مثل تأثیرات اجتماعی) ظاهر شوند (Shafir, 2019). فواید نیز مزایای حاصل از یک تصمیم‌گیری است که می‌تواند در افزایش امنیت، بهبود روابط بین‌المللی، رشد اقتصادی و تقویت قدرت نرم تجلی یابد (Bennett, 2016).

1. Rational Actor Model
2. Stephan Fischer

۲. تحلیل هزینه و فایده در مدل عقلایی: در این گام، هزینه‌ها و فواید تصمیم مورد تحلیل قرار می‌گیرند:

- هزینه‌های مالی: بودجه لازم برای اجرای تصمیمات؛
 - هزینه‌های زمانی: مدت زمان مورد نیاز برای پیاده‌سازی تصمیم؛
 - هزینه‌های اجتماعی: تأثیرات منفی تصمیم بر جامعه یا گروه‌های خاص؛
 - هزینه‌های سیاسی: پیامدهای منفی سیاسی و دیپلماتیک (Elster, 2007).
- از سوی دیگر، فواید تصمیم شامل مواردی همچون:
- افزایش قدرت ملی: تقویت جایگاه کشور در عرصه بین‌المللی؛
 - بهبود امنیت: کاهش تهدیدات امنیتی؛
 - تأثیر مثبت بر روابط بین‌الملل: بهبود روابط دیپلماتیک و همکاری‌های بین‌المللی؛
 - افزایش اعتبار: تقویت تصویر کشور در جهان می‌شود (Jervis, 1999).

۳. مقایسه هزینه‌ها و فواید: در این مرحله، هزینه‌ها و فواید شناسایی شده با هم مقایسه می‌شوند تا مشخص شود آیا فواید به دست آمده از تصمیم، ارزش هزینه‌های آن را دارد یا خیر (Weber, 2017). به‌عنوان مثال، در شرایطی که منافع ملی تحت تهدید قرار می‌گیرد، تصمیم‌گیرندگان ممکن است تصمیمات خود را بر اساس اهمیت امنیت ملی بازبینی کنند (Friedman, 2009).

۴. پذیرش هزینه‌ها بر اساس فواید: پذیرش هزینه‌ها زمانی منطقی است که فواید حاصل از تصمیم به‌طور قابل توجهی از هزینه‌های آن بیشتر باشد. برای مثال، اگر یک کشور برای ایجاد یک ائتلاف نظامی تصمیم به پرداخت هزینه‌های اولیه بالا بگیرد، اما منافع بلندمدت در زمینه امنیت بیشتر باشد، پذیرش این هزینه‌ها منطقی خواهد بود (Tullock, 1981). همچنین، در صورتی که فواید بلندمدت به بهبود وضعیت سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی منجر شوند، این تصمیم‌ها قابل پذیرش خواهند بود (North, 1990). همچنین، امکان بهبود در شرایط آینده نیز می‌تواند عاملی باشد که هزینه‌های فعلی را توجیه کند (Ostrom, 2005).

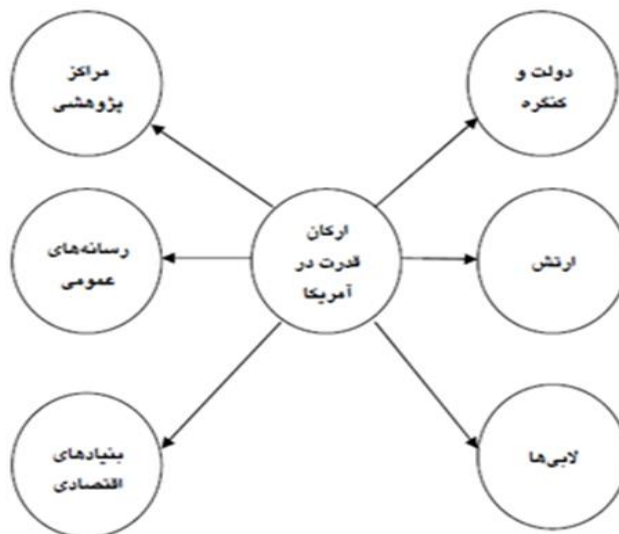
این چارچوب نظری به دلیل قدرت آن در تحلیل تصمیم‌گیری‌های اندیشکده رند در عرصه سیاست خارجی انتخاب شده است. مدل عقلایی با تمرکز بر محاسبات دقیق هزینه و فایده، به‌ویژه در موقعیت‌های پیچیده بین‌المللی، به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا انتخاب‌های بهینه‌ای داشته

باشند. از سوی دیگر، این چارچوب می‌تواند با تحلیل روابط بین‌الملل و شناسایی مزایا و معایب تصمیمات مختلف، به تبیین رفتار دولت‌ها و نحوه تعامل آن‌ها در محیط جهانی بپردازد. در نتیجه، این چارچوب نه تنها به تحلیل تصمیم‌گیری‌های کلان دولت‌ها کمک می‌کند، بلکه به درک بهتر از پویایی‌های قدرت و امنیت نیز یاری می‌رساند.

۴- یافته‌ها

۴-۱- مؤسسه رند^۱

تأثیر مراکز پژوهشی بر هرم قانون‌گذاری و سیاستگذاری ایالات متحده روز به روز در حال افزایش است. به طوری که این مراکز به یکی از عوامل شش‌گانه تولید و توزیع قدرت در آمریکا تبدیل شده‌اند که می‌توان در نمودار زیر نشان داد:



تصویر ۱. عوامل تولید و توزیع قدرت در آمریکا (دلورپور اقدم، ۱۳۹۰)

عوامل شش‌گانه مطرح شده در تولید قدرت آمریکا ارتباط شبکه‌ای با هم دارند. بازوی مطالعاتی قانون‌گذاری و سناتورها، مرکز پژوهش مجلس آمریکاست ولی سایر مراکز فکری نیز در جریان

1. RAND Corporation

تبادل اطلاعات فعال با مجلس بوده و معمولاً ارتباط تنگاتنگی را با کمیسیون‌های تخصصی و کارگروه‌های فرعی کنگره دارند. از طرفی عضویت و یا همکاری برخی مقام‌های عالی‌رتبه دفاعی، امنیتی و اطلاعاتی در ساختار سازمانی اتاق‌های فکر آمریکا موجبات افزایش نقش آفرینی مراکز پژوهشی روند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را فراهم کرده است. در کنار این عامل منابع مالی بعضی از اندیشکده‌ها از طریق بنیادهایی چون سوروس تأمین می‌شود که بر قدرت این اندیشکده‌ها اثر می‌گذارد. در کنار این عامل حضور پژوهشگرانی با سابقه رسانه‌ای ضریب اثرگذاری اتاق‌های فکر را بر افکار عمومی افزایش می‌دهد (دل‌اورپور اقدم، ۱۳۹۰: ۵).

باتوجه به اهمیت اندیشکده‌ها در سیاست خارجی آمریکا یکی از مؤسسات مهم فکری در این کشور رند می‌باشد. مؤسسه همکاری رند یک مؤسسه غیرانتفاعی است که از طریق مطالعات، تحقیق و تجزیه و تحلیل موضوعات مختلف و متنوع (از جمله سیاست خارجی) به بهبود سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کمک می‌کند. این مؤسسه تحقیقاتی در ۱۴ می ۱۹۴۸ بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم، از شرکت هواپیماسازی داگلاس جدا و به یک سازمان مستقل و غیرانتفاعی تبدیل شد و باهدف ارائه خدمات تحقیقاتی و تحلیل سیاسی به نیروهای نظامی ایالات متحده آمریکا شروع به فعالیت کرد. بخشی از بودجه این شرکت را حکومت فدرال ایالات متحده آمریکا، شرکت‌های فعال در حوزه‌های بهداشت و سلامت، دانشگاه‌ها و همچنین افراد شخصی تأمین می‌کنند (مراجعی، ۱۴۰۰: ۱۶۷). اندیشکده رند از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۴۸ به وسیله نیروی هوایی آمریکا و با حمایت مالی بنیاد فورد، در تعیین سیاست‌های کلیدی آمریکا در طول جنگ سرد نقش مهمی ایفا کرده است. رند نه تنها در زمینه مسائل نظامی بلکه در حوزه‌های دیپلماسی، امنیت ملی و مسائل اجتماعی نیز تحقیقاتی گسترده انجام داده است (Smith, 2010). علت انتخاب این مرکز علمی این است که اولاً؛ این مؤسسه تعامل جدی با ساختارهای نظامی، امنیتی و جاسوسی ایالات متحده آمریکا دارد و به طوری موردی می‌توان این مورد را یادآوری کرد که گراهام فولر^۱ در سال ۱۹۸۲ به عنوان ارزیاب استراتژیک تحولات غرب آسیا در سازمان جاسوسی مرکزی آمریکا منصوب شد و در سال ۱۹۸۸ به مؤسسه رند پیوست و آثارش را با تمرکز بر مسئله جمهوری اسلامی ایران نگارش و به رشته تحریر درآورد (مرکز جهان، جغرافیای سیاسی ایران، ۱۹۹۱)^۲ ثانیاً؛ بر روی مسئله ایران به عنوان طرح دشمن

1. Graham E. Fuller

2. The Center of the Universe, The Geopolitics of Iran

سازی تمرکز دارد، به گونه‌ای که پس از فروپاشی شوروی و خلاء دشمن فرضی برای پیشبرد برنامه - های نظامی آمریکا تمرکز خود را را بر دشمن سازی مجازی با محوریت جمهوری اسلامی ایران قرار داد؛ ثالثاً؛ با توجه به وجود لابی‌ها و تاثیرگذاری این اندیشکده در پارلمان و نهادهای اجرایی آمریکا، طرح‌های این اندیشکده غالباً مورد موافقت کنگره قرار می گیرد و اعضای سابق این اندیشکده چون پل جی کامینیسکی^۱ ارتباط نزدیکی با اعضای کنگره چون سناتور سابق جان مکین^۲ داشته‌اند (دلاورپور اقدم، ۱۳۹۰: ۱۳).

جدول زیر مجموعه‌ای از گزارش‌های منتشر شده توسط اندیشکده رند در بازه زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ را بررسی کرده و مقوله‌ها و ادعاهای گزارشات و راهبردهای پیشنهادی آن‌ها برای مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را شرح می دهد.

جدول ۱. محور اصلی گزارش‌های اندیشکده رند در قبال سیاست‌های منطقه‌ای ج.ا.ایران طی سال‌های ۲۰۲۱ الی ۲۰۲۳

عنوان گزارش و تدوین کنندگان آن	مقوله‌ها و ادعاهای اصلی گزارش	راهبردهای پیشنهادی در گزارش
گزارش «راهبردهای بازدارندگی روسیه و ایران در غرب آسیا» (مارتینی و همکاران، ۲۰۲۳)	در این گزارش با این ادعا که روسیه و ایران به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه غرب آسیا هستند و این امر منافع ایالات متحده و متحدانش را تهدید می کند نگارندگان گزارش ابزارهای بازدارندگی ایالات متحده در این راستا را شامل قدرت نظامی، ایجاد اتحادهای منطقه‌ای، فشار اقتصادی، حمایت از مخالفان و دیپلماسی می داند.	۱. تقویت توان نظامی در منطقه برای مقابله با نفوذ ایران و روسیه ۲. ایجاد اتحادهای منطقه‌ای برای همکاری با متحدان ۳. اعمال فشار اقتصادی، استفاده از تحریم‌ها و سایر ابزارهای اقتصادی ۴. حمایت از اپوزسیون داخلی و گروه‌های مخالف ایران و روسیه ۵. استفاده از دیپلماسی و گفتگو برای حل مناقشات

1. Paul J. Kominiski
2. John McCain
3. Jeffrey et al

عنوان گزارش و تدوین‌کنندگان آن	مقوله‌ها و ادعاهای اصلی گزارش	راهبردهای پیشنهادی در گزارش
گزارش «جنگ نیابتی در رقابت استراتژیک» (واتس و همکاران ^۱ ، ۲۰۲۳)	در این گزارش با این ادعا که حمایت‌های خارجی جمهوری اسلامی ایران از گروه‌ها و جنبش‌های مقاومت باعث مشکلاتی برای ایالات متحده می‌شود پیشنهاد می‌کند که با هدف قرار گرفتن فرماندهان مقاومت از قدرت گروه‌های مقاومت بکاهد.	۱. مقابله با گروه‌ها و جنبش‌های مقاومت از طریق شناسایی و هدف قرار دادن فرماندهان و پایگاه‌ها، تحریم مالی گروه‌ها، همکاری اطلاعاتی و عملیات نظامی ۲. حمایت از مخالفان داخلی کشورهای و جنبش‌های مقاومت برای تشدید نارضایتی ۳. تقویت توان نظامی متحدان با هدف بازدارندگی و دفاع در برابر جمهوری اسلامی ایران
گزارش «درک و بهینه‌سازی مشارکت‌های متحدان در دفاع جمعی» (مالوری ^۲ ، ۲۰۲۳)	در این گزارش با این ادعا که جمهوری اسلامی ایران با استفاده از توان موشکی و گروه‌ها و جنبش‌های مقاومت به دنبال کسب هژمونی منطقه‌ای غرب است پیشنهاد می‌کند که در مواجهه با این مسئله، ایالات متحده از گزینه تهدید نظامی استفاده کند.	۱. تقویت زیرساخت‌های نظامی و ظرفیت‌های حمل‌ونقل هوایی و دریایی ۲. ایجاد شبکه‌ای از پایگاه‌های نظامی در خارج از برد موشک‌های ایران ۳. انباشت تجهیزات نظامی و ذخیره‌سازی مهمات ۴. توانمندسازی نیروهای نظامی برای مقابله با قدرت موشکی ایران
گزارش «چشم‌اندازهای همکاری قدرت‌های بزرگ در اروپا و غرب آسیا» (تریگر ^۳ ، ۲۰۲۳)	در این گزارش با این ادعا که جمهوری اسلامی با استفاده از قدرت خود در پی گسترش نفوذ و صدور انقلاب اسلامی در منطقه غرب آسیا است پیشنهاد می‌شود که باید با هم پیمانان ایران ارتباط برقرار کرد تا از کمک به جمهوری اسلامی ایران دست بکشند.	۱. اعمال تحریم‌های جدید و تشدید فشار بر ایران ۲. تقویت همکاری‌های نظامی با کشورهای حوزه خلیج فارس برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا ۳. همکاری با کشورهای چین و روسیه برای محدود کردن فروش سیستم‌های موشکی به ایران

1. Watts et al
2. Mallory
3. Trigger

عنوان گزارش و تدوین‌کنندگان آن	مقوله‌ها و ادعاهای اصلی گزارش	راهبردهای پیشنهادی در گزارش
گزارش «تجدید سیاست امنیتی ایالات متحده در غرب آسیا» (کالبرتسون ^۱)، ۲۰۲۲	این گزارش با این ادعا که جمهوری اسلامی ایران با توان هسته‌ای خود به دنبال به چالش کشیدن منافع ایالات متحده آمریکاست پیشنهاد می‌شود که آمریکا با رویکردی دیپلماتیک جمهوری اسلامی را مهار کند	۱. تمرکز هم‌زمان بر عدم اشاعه هسته‌ای و سایر منافع استراتژیک ایالات متحده ۲. اتخاذ رویکرد مهار و کاهش تنش به جای تغییر نظام ج.ا.ایران ۳. هماهنگی بیشتر با متحدان برای دستیابی به توافقات پایدارتر

۴-۲- تحلیل گزارش‌ها

ابتدا اطلاعات گزارشات تحقیق در جدول شماره ۲ بر اساس سال، تعداد راهبرد نسبت به سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و نویسندگان ارائه می‌شود.

جدول-۲. گزارش‌های اندیشکده رند بر اساس سال و تعداد راهبرد

تعداد راهبردها (Number of Strategies)	سال (Year)	گزارش (Author)
5	2023	جفری و همکاران (Jeffrey et al.)
3	2023	واتس و همکاران (Watts et al.)
4	2023	مالوری (Mallory)
5	2023	تریگر (Trigger)
5	2022	کالبرتسون (Culbertson)
4	2021	طباطبایی و همکاران (Tabatabaei et al.)

۱- گزارش مارتین و همکاران (۲۰۲۳)

گزارش «Deterring Russia and Iran» محصول رویکرد هژمونیک و سلطه‌طلبانه ایالات متحده است که در واکنش به بیداری اسلامی و سیاست‌های مستقل جمهوری اسلامی ایران در منطقه تدوین شده است. این سند نه تنها بیانگر نگرانی غرب از گسترش گفتمان مقاومت و استقلال‌طلبی ملت‌هاست، بلکه نشان‌دهنده تقابل تمدنی میان دو دیدگاه متضاد در نظم جهانی امروز است: اسلام

¹ Culbertson

انقلابی در برابر امپریالیسم غربی. زمان نگارش این گزارش مقارن با اوج نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت است؛ دوره‌ای که با پیروزی در نبردهای مقاومت در سوریه و عراق، تقویت حزب الله لبنان، و حمایت از انصارالله یمن، معادلات منطقه‌ای به نفع ملت‌های مستقل تغییر کرد. این گزارش در این مقطع، راهبردهایی چون تحریم‌های اقتصادی، جنگ‌های رسانه‌ای، و راهبردهای نظامی را به ایالات متحده در جهت کاهش نفوذ و قدرت ایران در منطقه و عرصه بین‌المللی پیشنهاد می‌دهد و تصریح می‌کند که جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر سیاست‌های انقلابی و اسلامی خود، و بدون بهره‌گیری از ابزارهای متعارف قدرت، موفق شده است نقشه‌های آمریکا و متحدانش را خنثی کند. ایران با حمایت از ملت‌های آزادی‌خواه و گروه‌های مقاومت، از جمله حزب الله لبنان و انصارالله یمن، توانسته است موازنه قوا را به نفع ملت‌های منطقه تغییر دهد. غرب این راهبرد را به‌عنوان تهدید غیرمتقارن معرفی می‌کند، در حالی که در واقع، این توانمندی، نماد مقاومت در برابر استکبار جهانی است. سیاست تحریم به‌عنوان یکی از راهبردهای کلیدی این گزارش آورده شده است که ناشی از ترکیبی از عوامل ساختاری و نگرانی‌های استراتژیک است. ضعف‌های ساختاری ایران، مانند وابستگی تاریخی به درآمدهای نفتی و آسیب‌پذیری در برابر تحریم‌های ثانویه، در تصمیم‌گیری این گزارش تأثیرگذار بوده است. در عین حال، افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران از طریق حمایت از محور مقاومت و گسترش روابط راهبردی با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، موجب نگرانی‌های عمده استراتژیک این گزارش شده است. این گزارش با تقویت حضور نظامی در منطقه و جنگ‌های رسانه‌ای و نرم، تلاش کرده است روایت‌های منطقه‌ای را به سود خود تغییر دهد و تصویر قدرت‌مند ایران را در افکار عمومی داخلی و بین‌المللی تضعیف کند. این اقدامات به‌ویژه در مقابله با نفوذ ایدئولوژیک و گفتمان انقلابی ایران، که الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های مقاومت منطقه است، هدف‌گذاری شده‌اند. در مجموع بر اساس راهبردهای این گزارش می‌توان نتیجه گرفت که یکی اصلی‌ترین اهداف این گزارش، تلاش برای حفظ هژمونی و سلطه‌طلبی آمریکا در عرصه جهانی است. آمریکا نمی‌تواند اجازه دهد که کشورهایی مانند ایران با سیاست‌های مستقل و ضدآمریکایی، نظم جهانی مورد نظر واشنگتن را تهدید کنند. این تهدید نه تنها به منافع اقتصادی آمریکا که به امنیت ملی آن نیز مرتبط است، به‌ویژه در غرب آسیا که به منابع انرژی و کنترل راه‌های تجاری استراتژیک وابسته است. این گزارش نگران گسترش جبهه مقاومت و تقویت قدرت ایران

در کشورهای سوریه، عراق، لبنان و یمن است و همچنین به صورت خاص به موضوع همکاری‌های ایران و روسیه اشاره شده است. آمریکا نگران است که روابط استراتژیک ایران با قدرت‌هایی چون روسیه و چین، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، نظامی و انرژی، بتواند بر سلطه‌گری غرب تأثیر بگذارد، به همین دلیل تلاش می‌کند با تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، ایران را از این نوع همکاری‌ها بازدارد.

۲- گزارش واتس و همکاران (۲۰۲۳)

گزارش «Proxy Warfare in Strategic Competition» با هدف مقابله با قدرت امنیتی و استراتژیک ناشی از اثرگذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا نوشته شده است. یکی از اهداف اصلی این گزارش، تحلیل نحوه استفاده کشورهای مختلف از جنگ‌های نیابتی به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد منافع استراتژیک خود است. این گزارش مدعی است ایران، به‌ویژه به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای با توانایی نفوذ در کشورهای مختلف، از گروه‌هایی مانند حزب‌الله در لبنان، حوثی‌ها در یمن و گروه‌های مقاومت در عراق و سوریه بهره برده تا به طور مؤثر در برابر تهدیدات امنیتی و تحریم‌های بین‌المللی مقابله کند. این رویکرد، که از سوی تحلیلگران غربی به‌عنوان تهدیدی برای نظم جهانی به شمار می‌آید، در واقع انعکاسی از قدرت جمهوری اسلامی ایران در مقابله با سلطه‌گری جهانی و ترویج آرمان‌های اسلامی و انسانی در سطح منطقه است. واقعیت این است که ایران در برابر تهدیدات خارجی، شبکه‌ای از متحدین را به‌عنوان یک جبهه مشترک در برابر زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بالاخص آمریکا، تشکیل داده است. این جبهه شامل جنبش‌ها و گروه‌های مقاومت مانند حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و سایر گروه‌های مقاومت مستقر در عراق و سوریه است که به‌طور مؤثر تحت پشتیبانی و رهبری جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کنند. این مجموعه متحدین، به‌عنوان یک نیروی واحد و هم‌راستا با اهداف جمهوری اسلامی، در مقابله با سلطه‌گری و تهدیدات خارجی، به‌ویژه در مقابل سیاست‌های استکباری آمریکا و هم‌پیمانانش، ایفای نقش می‌کنند. این گزارش به‌دنبال تحلیل این نکته است که کشورهای غربی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها، از جمله عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، در تلاش هستند تا از طریق حمایت از گروه‌های مخالف و نیروهای نیابتی، اثرگذاری ایران در منطقه را تضعیف کنند. این راهبردها، به‌ویژه در سوریه، یمن و عراق، هدفشان مقابله با ایران و متحدانش است؛ اما در واقع، این

اقدامات بیشتر به دنبال مهار قدرت‌های مستقل و عدالت‌خواه در این کشورها هستند که می‌توانند موازنه قدرت را به نفع مردم مسلمان و کشورهای منطقه تغییر دهند. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران در کنار همین گروه‌ها، به دنبال تحقق اهداف اسلامی، استقلال‌طلبی و مقابله با سلطه‌گری است. در کنار جنگ‌های نیابتی، گزارش به فشارهای دیپلماتیک و اقتصادی اشاره می‌کند که کشورهای غربی به‌ویژه از طریق تحریم‌ها علیه ایران اعمال کرده‌اند، این فشارها با هدف کاهش منابع مالی ایران برای حمایت از گروه‌های مقاومت و تضعیف توانمندی‌های ایران در مقابله با تهدیدات خارجی است. در این میان، راهبردهای بازدارندگی نیز از سوی دیگر مورد بررسی قرار گرفته است، تقویت حضور نظامی و حمایت از کشورهای دست‌نشانده‌ای همچون عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی، به‌ویژه در زمینه‌های موشکی و دفاع ضد هوایی، گواه بر نگرانی دشمنان از قدرت‌گیری ایران و احتمال تغییر موازنه قدرت به نفع کشورهای مستقل است. این اقدامات که به دنبال محدود کردن نفوذ ایران در منطقه هستند، در نهایت نشان‌دهنده شکست استکبار جهانی در مقابله با روند طبیعی مقاومت و استقلال‌طلبی ایران است و باعث تقویت بیشتر جمهوری اسلامی می‌شود.

۳- گزارش مالوری (۲۰۲۳)

گزارش «Burdensharing and Its Discontents» به بررسی نقش متحدان در تأمین دفاع جمعی می‌پردازد. این گزارش عمدتاً به مسأله تقسیم بار دفاعی میان ایالات متحده و متحدانش می‌پردازد و بهینه‌سازی مشارکت آن‌ها را در راستای تقویت امنیت جمعی مورد بحث قرار می‌دهد. در قبال سیاست منطقه‌ای ایران، گزارش بر این موضوع تمرکز دارد که چگونه می‌توان از هم‌پیمانان آمریکا برای مقابله با نفوذ ایران در غرب آسیا بهره برد. این گزارش معتقد است که ایران به عنوان یک بازیگر کلیدی در غرب آسیا شناخته می‌شود که سیاست‌های منطقه‌ای آن تهدیدی برای منافع ایالات متحده و هم‌پیمانان آن محسوب می‌شود. گزارش توصیه می‌کند که ایالات متحده به جای اتکا به منابع داخلی، از متحدان خود برای کاهش نفوذ ایران بهره برد. این پیشنهاد شامل راهکارهای چون: ۱. تقویت نقش کشورهای منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و امارات در مقابله با ایران ۲. افزایش هماهنگی و تقسیم وظایف میان هم‌پیمانان برای کاستن از بار مالی و نظامی ایالات متحده ۳.

بهبود سیاست‌های اقتصادی و تحریمی از طریق ائتلاف بین‌المللی ۴. ایجاد ناآرامی‌های داخلی و کمک به مخالفان داخلی جمهوری اسلامی ایران است. در واقع، هدف اصلی این گزارش ارائه مدلی برای بهینه‌سازی دفاع جمعی و تقسیم بار است. اما در قبال ایران، به دنبال ارائه راهبردی است که: ۱. از وابستگی مستقیم ایالات متحده به منابع نظامی‌اش در منطقه بکاهد و ۲. ایالات متحده هزینه‌های خود در منطقه غرب آسیا را کاهش دهد و تمرکز بیشتری بر رقابت با چین و روسیه داشته باشد. راهبرد پیشنهادی گزارش نشان می‌دهد که آمریکا باید تلاش کند که ائتلافی قوی‌تر برای مقابله با ایران ایجاد کند و هم‌پیمانان را به مسئولیت‌پذیری بیشتر وادار کند. استفاده از ابزارهای اقتصادی، نظامی و دیپلماتیک متحدان، فشار بیشتری بر ایران وارد خواهد کرد و آمریکا می‌تواند به نتایج بهتری بدون هزینه‌های سنگین دست یابد. این گزارش نه تنها یک تحلیل در مورد سیاست‌های منطقه‌ای ایران است، بلکه بخشی از استراتژی کلان آمریکا برای مدیریت منابع و ایجاد توازن میان مناطق مختلف است. پیشنهادهای ارائه شده در گزارش در راستای اهداف بلندمدت آمریکا برای کنترل غرب آسیا و جلوگیری از ظهور بازیگران مستقل مانند ایران تنظیم شده‌اند.

۴- گزارش تریگو (۲۰۲۳)

هدف از نگارش گزارش «Assessing the Prospects for Great Power Cooperation in Europe and the Middle East»، بررسی امکان‌پذیری همکاری‌های امنیتی میان قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده، چین و روسیه در مناطق مختلف جهان مانند اروپا و غرب آسیا است. این بررسی در چارچوب استراتژی دفاع ملی ایالات متحده انجام شده است که اولویت را از مبارزه با تروریسم به رقابت استراتژیک میان دولت‌ها تغییر داده و در عین حال بر لزوم همکاری با رقبا از موضع قدرت تأکید می‌کند. راهبردهای پیشنهادی این گزارش به آمریکا در قبال سیاست‌های منطقه‌ای ایران در چارچوب رقابت استراتژیک با چین و روسیه مورد تحلیل قرار گرفته است. لذا با توجه به این که ایران به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای مهم در غرب آسیا است، نفوذ قابل توجهی در این منطقه دارد، این راهبردها با این اهداف نگاشته شده است: ۱. مهار نفوذ منطقه‌ای ایران: آمریکا تلاش می‌کند تا از طریق فشارهای اقتصادی، دیپلماتیک و امنیتی، نفوذ ایران در منطقه را محدود کند. این سیاست به‌ویژه در زمینه حمایت ایران از گروه‌های مقاومت در غرب آسیا برجسته است، ۲. جلوگیری از هم‌پیمانی استراتژیک ایران با چین و روسیه: تقویت همکاری‌های ایران با چین و

روسیه می‌تواند به چالش‌های بیشتری برای منافع آمریکا در منطقه و فراتر از آن منجر شود بنابراین، تلاش برای ایجاد شکاف میان این کشورها بخشی از راهبرد آمریکا محسوب می‌شود، ۳. حفظ برتری نظامی در منطقه: آمریکا از طریق تقویت همکاری‌های نظامی با متحدان منطقه‌ای خود مانند رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، سعی در برتری جویی در برابر توانمندی‌های نظامی ایران دارد. طبیعتاً علت انتخاب این راهبردها، تلاش آمریکا برای حفظ نظم بین‌المللی مطلوب خود در برابر تهدیدات ناشی از قدرت‌های رقیب و بازیگران منطقه‌ای مستقل مانند ایران است. ایران با تکیه بر سیاست‌هایی همچون جنگ غیرمستقیم و منطقه خاکستری، به عنوان تهدیدی جدی برای منافع استراتژیک آمریکا در غرب آسیا شناخته می‌شود. علاوه بر این، ارتباط نزدیکی که ایران با روسیه و چین در حوزه‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی دارد، نگرانی‌های آمریکا را درباره افزایش نفوذ این دو قدرت جهانی در منطقه تشدید کرده است. پیشنهادات مطرح شده در این گزارش در قبال سیاست منطقه‌ای ایران در این موارد قابل بیان است: ۱. تعامل مشروط با ایران: تلاش برای مذاکره و تعامل دیپلماتیک با ایران می‌تواند راهی برای کاهش تنش‌ها باشد، مشروط به این که ایران رفتارهای منطقه‌ای خود را تغییر دهد؛ ۲. تقویت همکاری با کشورهای منطقه: ایالات متحده باید روابط خود را با متحدان منطقه‌ای تقویت کند تا بتواند ائتلاف‌های گسترده‌تری علیه نفوذ ایران ایجاد کند؛ ۳. کنترل نفوذ چین و روسیه در منطقه: راهبردهای آمریکا باید شامل طرح‌هایی برای کاهش جذابیت ایران به عنوان شریک استراتژیک برای این دو قدرت باشد؛ ۴. سرمایه‌گذاری در قدرت نرم: تمرکز بر پروژه‌های توسعه‌ای و فرهنگی در منطقه می‌تواند نقش ایران را به عنوان یک بازیگر مؤثر کاهش دهد. در نهایت می‌توان گفت که این گزارش نشان‌دهنده اهمیت تغییر موازنه قدرت در منطقه راهبردی آسیا است و بر ضرورت تعامل هوشمندانه با بازیگران منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد.

۵- گزارش کالبر تسون (۲۰۲۲)

گزارش «Renewing U.S. Security Policy in the Middle East» در راستای بازنگری سیاست امنیتی ایالات متحده در غرب آسیا نوشته شده است. هدف اصلی این گزارش، شناسایی و پیشنهاد راهبردهایی برای مواجهه مؤثرتر با چالش‌های امنیتی منطقه‌ای است. این چالش‌ها شامل

فعالیت‌های منطقه‌ای ایران، ضعف دولت‌ها و تأثیرات رقابت‌های قدرت‌های منطقه‌ای می‌باشد. در قبال سیاست منطقه‌ای ایران، گزارش تمرکز ویژه‌ای بر سیاست‌های مهار نفوذ منطقه‌ای ایران و کاهش تأثیرگذاری آن بر گروه‌های مقاومت دارد. این راهبردها شامل این موارد می‌شود: ۱. تقویت هم‌پیمانان منطقه‌ای آمریکا: تجهیز و آموزش نظامی کشورهای حوزه خلیج فارس برای ایجاد بازدارندگی در برابر ایران؛ ۲. اعمال فشارهای اقتصادی بیشتر: تشدید تحریم‌ها و محدود کردن دسترسی ایران به منابع مالی برای کاهش توانایی آن در حمایت از نیروهای نیابتی؛ ۳. دیپلماسی چندجانبه و بازدارندگی هوشمند: تلاش برای ایجاد ائتلاف‌های دیپلماتیک و بهره‌گیری از ابزارهای بازدارندگی غیرنظامی برای محدود کردن نفوذ ایران؛ ۴. حضور نظامی هدفمند و پایدار در منطقه: حفظ و تقویت پایگاه‌های نظامی آمریکا برای جلوگیری از گسترش قدرت ایران. دلایل پیشنهاد این راهبردها نیز عبارت‌اند از: ۱. اولویت‌های امنیتی آمریکا: این گزارش بر اساس ارزیابی قدرت کلیدی منطقه‌ای، ایران را به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی تهدیدکننده منافع آمریکا و هم‌پیمانان آن معرفی می‌کند؛ ۲. نگاه به فعالیت‌های ایران در قالب تهدیدهای فراملی: از دید نویسندگان گزارش، حمایت ایران از گروه‌های مقاومت همچون حزب‌الله و حوثی‌ها باعث ایجاد بی‌ثباتی منطقه‌ای شده و مستقیماً بر منافع آمریکا اثر می‌گذارد اگرچه این ادعا فقط در راستای حفظ منافع آمریکا بیان می‌شود ولی در واقعیت منطقه حضور جمهوری اسلامی باعث تقویت و صلح در منطقه می‌شود؛ ۳. ضرورت حفظ برتری نظامی: نگارندگان این گزارش معتقدند که برای حفظ نظم منطقه‌ای مطلوب، آمریکا نیازمند تقویت حضور نظامی و حفظ بازدارندگی علیه ایران است. در مجموع گزارش ترکیبی از ابزارهای دیپلماسی و بازدارندگی نظامی را پیشنهاد می‌دهد که نشان‌دهنده رویکردی چندوجهی است و این راهبردها بر اساس رویکرد سنتی آمریکا به امنیت غرب آسیا طراحی شده است و هدف آن تضعیف نقش ایران به‌عنوان یک بازیگر اصلی منطقه‌ای است.

اما همان‌طور که در ابتدای مقاله نیز گفته شد، این پژوهش به‌دنبال پاسخ به دو پرسش اصلی بوده است که در اینجا طبق داده‌های بدست آمده و بررسی‌های صورت گرفته پاسخ سؤالات مذکور به شرح زیر ارائه می‌گردد:

سؤال اول: راهبرد موجود در گزارش‌های اندیشکده رند در قبال سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارای چه مؤلفه‌هایی است؟

داده‌های جمع آوری شده از طریق نرم افزار MAXQDA 2018 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که یافته‌های آن براساس الگوی تحلیل کیفی کوربین و استراوس در قالب کدگذاری باز (استخراج کدهای اولیه) و کدگذاری محوری (استخراج مؤلفه‌ها و مضامین و ربط دادن مؤلفه‌ها به کدها) ارائه شده است. در جدول ۲ به شرح یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های اندیشکده رند در قبال سیاست منطقه ای ایران در مرحله کدگذاری باز و در جدول ۳ به شرح یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری محوری پرداخته شده است.

الف) نتایج فرآیند کدگذاری باز

جدول ۳. فراوانی کدگذاری باز از راهبردهای اندیشکده رند

شماره کد (Code No)	نمونه کد (Sample Code)	فراوانی (F)
۱	بازدارندگی نظامی	۱۲
۲	تحریم اقتصادی	۱۵
۳	حمایت از نیروهای نیابتی	۱۰
۴	تقویت اتحادهای منطقه‌ای	۸
۵	دیپلماسی و مذاکره	۶
۶	استفاده از مستشاران نظامی	۹

در مرحله کدگذاری باز، ۶ مضمون اصلی شناسایی شد که شامل بازدارندگی نظامی، تحریم اقتصادی، حمایت از نیروهای نیابتی، تقویت اتحادهای منطقه‌ای، دیپلماسی و مذاکره و استفاده از مستشاران نظامی می‌باشد. مجموعاً ۳۶ کد استخراج شد و بیشترین فراوانی مربوط به کد تحریم اقتصادی بود که به دنبال آن کدهای بازدارندگی نظامی و حمایت از نیروهای نیابتی قرار گرفتند.

ب) نتایج فرآیند کدگذاری محوری

بعد از استخراج کدهای اولیه، کدها در قالب مضامین اصلی و فرعی دسته‌بندی شدند که در این جا نتایج کدگذاری محوری در قالب جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول ۴. فراوانی کدگذاری محوری از راهبردهای اندیشکده رند

مضمون اصلی (Core Theme)	کدهای مرتبط (Related Codes)	فراوانی (F)
بازدارندگی و مهار ایران	بازدارندگی نظامی، تحریم اقتصادی، دیپلماسی و مذاکره	۳۳
استراتژی نیابتی ایران	حمایت از نیروهای نیابتی، استفاده از مستشاران نظامی	۱۹
همکاری‌های منطقه‌ای آمریکا	تقویت اتحادهای منطقه‌ای، همکاری با متحدان در غرب آسیا	۸

آنالیز نتایج کدها

در این جا دو نمودار دایره‌ای وجود دارد که نتایج تحلیل کدها را نشان می‌دهد: الف) کدگذاری باز: نمودار سمت چپ، توزیع کدهای اولیه شناسایی شده از گزارش‌های رند پیرامون سیاست منطقه‌ای ایران را نشان می‌دهد و بیشترین فراوانی مربوط به تحریم‌های اقتصادی (۱۵ مورد)، پس از آن بازدارندگی نظامی (۱۲ مورد) و در نهایت حمایت از مخالفین (۱۰ مورد) است. الف) کدگذاری باز: نمودار سمت راست گروه‌بندی این کدهای اولیه را در موضوعات اصلی نشان می‌دهد. بازدارندگی و مهار ایران متداول‌ترین موضوع (۳۳ مورد) و پس از آن استراتژی نیابتی ایران (۱۹ مورد) و همکاری منطقه‌ای ایالات متحده (۸ مورد) است از عوامل دیگر می‌توان به راهبرد نرم و رسانه‌ای اشاره کرد. این تجسم‌ها عوامل استراتژیک شناسایی شده در گزارش‌های اندیشکده RAND را با استفاده از رویکرد تحلیل کیفی کوربین و اشتراوس خلاصه می‌کنند.



تصویر ۲. آنالیز نتایج کدها

ارتباط گرافی بین کدها

گراف ارائه شده در جدول زیر ترکیبی از ابزارها و راهبردهای مختلف اندیشکده رند در قبال ایران را نشان می‌دهد که به صورت یک شبکه منسجم عمل می‌کنند. در ادامه تحلیل هر یک از این کدها و ارتباطات کلیدی ارائه می‌شود:

کدهای کلیدی

۱. تحریم‌های اقتصادی (نقش محوری): تحریم‌ها به‌عنوان راهبرد مرکزی در اکثر گزارش‌ها مطرح شده‌اند، زیرا نقش بنیادینی در تضعیف توان مالی و اقتصادی ایران دارند. این کد به شدت با سایر کدها مانند جنگ نیابتی و فشار دیپلماتیک ارتباط دارد.
* تحلیل ارتباطی: کاهش منابع مالی ایران نه تنها به محدود کردن برنامه‌های نظامی ایران منجر می‌شود، بلکه توان ایران را در حمایت از گروه‌های مقاومت کاهش می‌دهد.
۲. جنگ نیابتی (ابزار مقابله گرانه): استفاده از گروه‌های مقاومت توسط ایران به‌عنوان استراتژی مقابله با فشارهای نظامی مستقیم دیده می‌شود. اندیشکده رند بر این باور است که محدود کردن حمایت مالی ایران از این گروه‌ها، بر کارآیی این ابزار تأثیر خواهد گذاشت.
* تحلیل ارتباطی: تحریم‌های اقتصادی به‌طور مستقیم بر این کد تأثیر دارند و موجب کاهش منابع حمایتی ایران می‌شوند.
۳. فشار دیپلماتیک و بین‌المللی (هم‌افزایی با تحریم‌ها): این کد به‌طور ویژه در کنار تحریم‌ها عمل می‌کند. فشار دیپلماتیک با استفاده از مذاکرات مشروط و اجماع‌سازی بین‌المللی، ایران را در عرصه سیاسی منزوی می‌کند.
* تحلیل ارتباطی: نقش مکمل تحریم‌ها، به‌ویژه در افزایش فشار روانی و انزوای سیاسی.
۴. حمایت از متحدان منطقه‌ای (بازدارندگی منطقه‌ای): تقویت نظامی و اقتصادی کشورهای عربی مانند عربستان و امارات و همکاری استراتژیک با رژیم صهیونیستی به‌عنوان ابزاری برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه عمل می‌کند.
* تحلیل ارتباطی: حفظ برتری نظامی و کاهش اثرگذاری ایران در غرب آسیا.
۵. جلوگیری از ائتلاف استراتژیک ایران با روسیه و چین (چالش بزرگ‌تر): این راهبرد در بستر رقابت‌های ژئوپلیتیکی آمریکا با قدرت‌های بزرگ مانند روسیه و چین معنا پیدا می‌کند. جلوگیری

از همگرایی استراتژیک ایران با این کشورها، بخشی از تلاش آمریکا برای حفظ هژمونی جهانی است.

* تحلیل ارتباطی: از ابزارهایی مانند فشار اقتصادی و دیپلماتیک برای محدود کردن این ائتلاف‌ها استفاده می‌شوند.

۶. جنگ رسانه‌ای و تصویرسازی (کنترل روایت‌ها): این ابزار با هدف تغییر روایت‌های بین‌المللی به ضرر ایران و افزایش انزوای ایدئولوژیک آن استفاده می‌شود.
* تحلیل ارتباطی: با قدرت نرم در ارتباط است، زیرا پروژه‌های فرهنگی مکمل جنگ رسانه‌ای هستند.

۷. حفظ برتری نظامی در منطقه (همکاری راهبردی): همکاری نزدیک با رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی و تجهیز آن‌ها به تسلیحات پیشرفته به عنوان ابزار بازدارندگی در برابر ایران عمل می‌کند.

* تحلیل ارتباطی: ارتباط مستقیم با حمایت از متحدان و جنگ نیابتی.

۸. سرمایه‌گذاری در قدرت نرم (پروژه‌های فرهنگی): تلاش برای کاهش نفوذ ایدئولوژیک ایران در منطقه با ترویج ارزش‌های غربی و سرمایه‌گذاری در پروژه‌های توسعه‌ای.
* تحلیل ارتباطی: این کد نیز با جنگ رسانه‌ای هم‌پوشانی دارد.

ارتباطات بین‌کدها

۱. تحریم‌ها و جنگ نیابتی: تحریم‌ها به عنوان عامل بازدارنده، توان مالی ایران را کاهش داده و نقش مستقیمی در محدود کردن حمایت از گروه‌های نیابتی ایفا می‌کند. این ارتباط به وضوح در گزارش‌های رند مورد تأکید قرار گرفته است.

۲. دیپلماسی و فشار اقتصادی: دیپلماسی مشروط، در کنار تشدید فشارهای اقتصادی، از ابزارهای اصلی برای دستیابی به اهداف بازدارنده است. این دو ابزار هم‌زمان به عنوان دو وجه یک سکه عمل می‌کنند.

۳. حمایت از متحدان و حفظ برتری نظامی: تقویت نظامی کشورهای منطقه با هدف مقابله با نفوذ ایران، بخش کلیدی این راهبرد است. تجهیز این کشورها به فناوری پیشرفته در راستای حفظ برتری نظامی انجام می‌شود.

۴. قدرت نرم و جنگ رسانه‌ای: جنگ رسانه‌ای در هم‌افزایی با قدرت نرم، به‌منظور کاهش نفوذ ایدئولوژیک و تبلیغاتی ایران طراحی شده است. این ارتباط، بخش کلیدی تلاش‌های فرهنگی آمریکا در منطقه است.

اندیشکده رند از یک شبکه راهبردی منسجم استفاده می‌کند که در آن ابزارهای مختلف، به‌صورت هم‌پوشانی و مکمل یک‌دیگر عمل می‌کنند. این گراف نشان می‌دهد که چگونه تحریم‌ها به‌عنوان محور اصلی، سایر راهبردها را تغذیه می‌کند، و جنگ رسانه‌ای و دیپلماسی مشروط نیز به‌طور هم‌زمان برای انزوای ایران عمل می‌کنند. سرمایه‌گذاری در قدرت نرم و حمایت از متحدان منطقه‌ای، به‌منظور مقابله با نفوذ ایران در منطقه و جلوگیری از ائتلاف‌های استراتژیک آن با قدرت‌های جهانی طراحی شده است.



تصویر-۳. ارتباط بین گراف کدهای راهبرد اندیشکده رند

تحلیل نتایج

اندیشکده رند پیشنهاد می‌دهد که ایالات متحده از ترکیب ابزارهای نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و اطلاعاتی برای مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران استفاده کند. این راهبرد منعکس‌کننده این واقعیت است که هیچ ابزاری به‌تنهایی نمی‌تواند اهداف آمریکا را محقق کند. ترکیب این ابزارها، به آمریکا امکان می‌دهد که ایران را از زوایای مختلف تحت فشار قرار دهد و تأثیرگذاری آن را در

منطقه کاهش دهد. با بررسی گزارش‌های مختلف، پنج راهبرد کلیدی در سیاست ایالات متحده در قبال ایران به طور مکرر تکرار شده و برجسته شده است:

۱. بازدارندگی نظامی: تقویت حضور نظامی در منطقه، انباشت تجهیزات، ایجاد پایگاه‌های جدید و رزمایش‌های مشترک به عنوان پایه‌های اصلی بازدارندگی مطرح شده‌اند. علت پیشنهاد این راهبرد از سوی اندیشکده رند نیز این است که به اعتقاد آن‌ها جمهوری اسلامی ایران از دکتترین جنگ ترکیبی و ابزارهای نامتقارن استفاده می‌کند؛ بنابراین، ایالات متحده به دنبال نشان دادن برتری نظامی خود برای جلوگیری از هرگونه اقدام ایران است.

۲. تحریم‌های اقتصادی: تحریم‌ها به عنوان ابزار کلیدی برای محدودسازی منابع مالی و توانمندی‌های ایران، به ویژه در حوزه‌های هسته‌ای، موشکی و نیروهای مقاومت، مورد توجه قرار گرفته‌اند. علت پیشنهاد این راهبرد توسط اندیشکده رند این می‌باشد که تحریم‌ها به دلیل تأثیر قابل توجه بر اقتصاد ایران و محدودسازی فعالیت‌های منطقه‌ای آن، ابزاری بسیار مؤثر در نظر گرفته می‌شوند. از دلیل دیگر استفاده از این راهبرد، امر آسیب‌پذیری ساختاری ایران در برابر تحریم‌ها (مانند وابستگی به نفت و اقتصاد دولتی) و تأثیرگذاری این ابزار بر کاهش منابع مالی ایران برای حمایت از گروه‌های مقاومت است.

۳. مقابله با نیروهای مقاومت: شناسایی و هدف‌گیری گروه‌های مقاومت همسو با ایران، تحریم مالی و عملیات مشترک با کشورهای منطقه از جمله راهبردهای پیشنهادی است. علت تأکید بر این راهبرد است که نیروهای مقاومت همسو با ایران نقش مهمی در استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دارند و مقابله با آن‌ها می‌تواند اثرگذاری و قدرت ایران را کاهش دهد.

۴. دیپلماسی و ائتلاف‌سازی: ایجاد همکاری‌های منطقه‌ای و استفاده از دیپلماسی برای همسو کردن منافع کشورهای متحد علیه ایران. علت تأکید راهبرد مذکور توسط اندیشکده رند این است که ایجاد اتحادهای منطقه‌ای، قدرت جمعی متحدان در برابر اثرگذاری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را افزایش می‌دهد.

۵. حمایت از مخالفان داخلی: یکی از دلایل مهم حمایت از گروه‌های مخالف داخلی در ایران و کشورهای گروه‌های مقاومت برای افزایش فشار داخلی و کاهش مشروعیت دولت‌هاست. علت تأکید بر این راهبرد، مشغول‌سازی ایران به مسائل داخلی و غافل شدن از مسائل منطقه‌ای، کاهش

مشروعیت نظام در سطح بین‌المللی و طبیعتاً کاهش اثرگذاری آن می‌باشد. باید به این نکته توجه داشت که گزارش‌های منتشر شده توسط اندیشکده رند درباره جمهوری اسلامی ایران نشان‌دهنده نوعی جهت‌گیری آشکار و غرض‌ورزی نسبت به ایران است. تمامی این راهبردها بر مبنای این فرضیه نادرست و غیرواقعی تدوین شده‌اند: «جمهوری اسلامی ایران به دنبال نفوذ در غرب آسیا با هدف ناامن‌سازی منطقه است» لذا ایالات متحده آمریکا با استناد به گزاره‌های غیرمستند و بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، از جمله تولید متون به ظاهر علمی، در تلاش است گفتمان ایران‌هراسی را در منطقه و محافل علمی بین‌المللی ترویج دهد. این رویکرد را می‌توان واکنشی به تأثیرات فرهنگی و سیاسی پیام انقلاب اسلامی دانست که با چالش کشیدن منافع راهبردی آمریکا، مانعی اساسی برای تحقق اهداف هژمونیک این کشور در منطقه ایجاد کرده است. در این میان، گزارش‌های اندیشکده رند به‌عنوان یکی از بازوهای پژوهشی و راهبردی ایالات متحده، به‌جای ارائه تحلیل‌های مبتنی بر داده‌های عینی و بی‌طرفانه، بر اساس پیش‌فرض‌ها و تحلیل‌های ذهنی و جهت‌دار تدوین شده‌اند. این گزارش‌ها با هدف تخریب وجهه جمهوری اسلامی ایران و ترسیم تصویری منفی از آن در عرصه منطقه‌ای و جهانی، تلاش می‌کنند سیاست‌های ایالات متحده را از منظر علمی توجیه و مشروع جلوه دهند. تحلیل دقیق این گزارش‌ها از منظر روش‌شناسی و سبک تحلیل، می‌تواند ابزار مفیدی برای شناخت سازوکارهای علمی در خدمت اهداف سیاسی باشد. چنین بررسی‌هایی نه تنها به درک عمیق‌تر از روش‌های تدوین گزارش‌های راهبردی کمک می‌کند، بلکه امکان شناسایی الگوهای بهره‌برداری از ابزارهای علمی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و سیاست‌گذاری را فراهم می‌آورد. در عین حال، باید توجه داشت که بسیاری از این تولیدات علمی به دلیل وابستگی‌های ساختاری و مالی اندیشکده رند با دولت ایالات متحده و به‌ویژه نهادهای نظامی و امنیتی آن، بیشتر منافع حامیان مالی خود را بازتاب می‌دهند تا تحلیل‌های مستقل و بی‌طرفانه. از این‌رو، انتقادات وارد بر این گزارش‌ها عموماً بر ماهیت جهت‌دار آن‌ها و فاصله قابل توجهشان با اصول علمی تأکید دارند. آبیلا^۱ در سال ۲۰۰۹ در کتابی با عنوان «سربازان عقل: اندیشکده رند و ظهور امپراتوری آمریکایی» به بررسی تاریخچه و تأثیرات اندیشکده رند بر سیاست‌های آمریکا و به‌ویژه نقش آن در شکل‌دهی به استراتژی‌های نظامی و خارجی ایالات متحده پرداخته است. آبیلا در این اثر به تحلیل نحوه

1. Abella

شکل‌گیری و نفوذ این اندیشکده در دوران جنگ سرد و بعدها، به‌ویژه در زمینه سیاست‌های جنگی و امنیتی، می‌پردازد. ایشان در این کتاب به این نکته اشاره می‌کند که اندیشکده رند به دلیل ماهیت نظامی بودنش علاقه به ارائه گزارشاتی دارد که منتج به جنگ شود و لذا نگاه آن اساساً نظامی است (Abella, 2009).

سؤال دوم: چارچوب راهبرد گزارش‌های اندیشکده رند در قبال سیاست منطقه ایران به چه شکل است؟

گزارش‌های مورد بررسی، همگی با هدف اصلی مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه و حفظ هژمونی ایالات متحده تدوین شده‌اند. این گزارش‌ها با استفاده از رویکردهای مختلف، از جمله تحریم، فشار دیپلماتیک، تقویت هم‌پیمانان منطقه‌ای و جنگ‌های نیابتی، به دنبال مهار ایران هستند. در این تحلیل، تلاش می‌شود تا با استفاده از مؤلفه‌های نظریه تصمیم‌گیری، این گزارش‌ها مورد بررسی قرار گرفته و در واقع پاسخ پرسش دوم پژوهش بر اساس نظریه تصمیم‌گیری تشریح شود. لازم به تأکید است که گزارش‌ها بر اساس منافع ایالات متحده و از این منظر نگارش شده است.

۱- شناسایی مشکل

- مشکل اصلی: افزایش نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا، تهدید به تغییر توازن قدرت و تضعیف منافع آمریکا و متحدانش؛
- مشکلات فرعی: حمایت ایران از گروه‌های مقاومت، تقویت روابط با روسیه و چین، توسعه برنامه هسته‌ای.

۲- شناسایی و رتبه‌بندی اهداف

- اهداف اصلی: مهار نفوذ منطقه‌ای ایران، جلوگیری از تشکیل بلوک‌های رقیب تحت رهبری ایران، حفظ برتری نظامی در منطقه؛
- اهداف فرعی: تغییر رفتار ایران، تقویت هم‌پیمانان منطقه‌ای، کاهش هزینه‌های نظامی آمریکا.

۳- جمع‌آوری اطلاعات

- منابع اطلاعاتی: اطلاعات محرمانه آژان‌های اطلاعاتی، گزارش‌های نهادهای پژوهشی، تحلیل‌های رسانه‌ای، اطلاعات میدانی؛
- روش‌های جمع‌آوری اطلاعات: تحلیل محتوا، مصاحبه با کارشناسان، بررسی اسناد و مدارک.

۴- شناسایی گزینه‌ها برای دستیابی به اهداف

- گزینه‌های اصلی: تحریم‌های اقتصادی، فشار دیپلماتیک، تقویت هم‌پیمانان منطقه‌ای، جنگ‌های نیابتی، عملیات‌های سایبری؛
- گزینه‌های فرعی: حمایت از مخالفان داخلی ایران، تغییر نظام در ایران.

۵- تحلیل گزینه‌ها

- مزایای گزینه‌ها: *تحریم‌ها: کاهش توان مالی ایران، *فشار دیپلماتیک: ایجاد انزوای بین‌المللی، *تقویت هم‌پیمانان: افزایش قدرت بازدارندگی، *جنگ‌های نیابتی: تضعیف مستقیم ایران.
- معایب گزینه‌ها: *تحریم‌ها: تأثیر بر اقتصاد جهانی، تقویت نارضایتی داخلی در ایران از غرب و بالاخص آمریکا، *فشار دیپلماتیک: عدم موفقیت در تغییر رفتار ایران، *تقویت هم‌پیمانان: افزایش هزینه‌های نظامی، بی‌ثباتی منطقه‌ای، *جنگ‌های نیابتی: طولانی شدن درگیری‌ها، افزایش تلفات غیرنظامی.

۶- انتخاب بهترین گزینه

- ترکیبی از گزینه‌ها: گزارش‌ها بر ترکیب چندین گزینه تأکید دارند، از جمله تحریم‌ها، فشار دیپلماتیک و تقویت هم‌پیمانان.

۷- اجرای تصمیم

- مراحل اجرا: هماهنگی با متحدان، اعمال تحریم‌ها، افزایش حضور نظامی، حمایت از مخالفان داخلی ایران؛
- چالش‌های اجرا: مقاومت ایران، واکنش‌های بین‌المللی، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی.

۸- نظارت و ارزیابی

- شاخص‌های ارزیابی: تغییر رفتار ایران، کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران، تقویت هم‌پیمانان، هزینه‌های اجرای سیاست‌ها؛
 - روش‌های ارزیابی: تحلیل داده‌های کمی و کیفی، ارزیابی نظرات کارشناسان.
- بر اساس مؤلفه‌های نظریه تصمیم‌گیری گزارش‌های اندیشکده رند در سال‌های ۲۰۲۱ الی ۲۰۲۳ به شرح بالا مورد تحلیل قرار گرفت، اما یکی دیگر از مؤلفه‌های نظریه تصمیم‌گیری بررسی هزینه

و فایده هر یک از راهبردها است که جدول زیر به تفکیک گزارش‌ها هزینه و فایده راهبردها در قبال سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را ارائه می‌دهد.

گزارش	هزینه‌ها برای ایالات متحده	فواید برای ایالات متحده
جفری و همکاران (۲۰۲۳): راهبردهای بازدارندگی روسیه و ایران	<ul style="list-style-type: none"> - تقویت توان نظامی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان مالی و انسانی است - اتحادهای منطقه‌ای ممکن است به تعهدات بلندمدت و پیچیدگی‌های سیاسی منجر شود - تحریم‌ها باعث افزایش تنش‌های بین‌المللی و آسیب به بازار جهانی انرژی می‌شود - حمایت از مخالفان داخلی باعث بی‌ثباتی و افزایش تنش منطقه‌ای می‌شود. 	<ul style="list-style-type: none"> - بازدارندگی فوری با تقویت نظامی - انسجام استراتژیک و مدیریت تهدید با اتحادهای منطقه‌ای - تضعیف زیرساخت‌های مالی ایران با فشار اقتصادی
مارتین و همکاران (۲۰۲۳): جنگ نیابتی در رقابت استراتژیک	<ul style="list-style-type: none"> - مقابله با شبکه‌های مقاومت حامی ایران ممکن است به درگیری‌های گسترده منجر شود - حمایت از مخالفان داخلی باعث بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی منطقه‌ای می‌شود - تقویت توان نظامی نیازمند بودجه‌های کلان و تشدید رقابت تسلیحاتی است 	<ul style="list-style-type: none"> - شناسایی و خنثی‌سازی گروه‌های مقاومت باعث کاهش موقتی توان ایران می‌شود
مالوری (۲۰۲۳): بهینه‌سازی مشارکت‌های متحدان در دفاع جمعی	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد پایگاه‌های جدید و زیرساخت‌های مستحکم نیازمند منابع عظیم مالی و تعهدات بلندمدت است. - انباشت تجهیزات نظامی رقابت تسلیحاتی و نگرانی‌های منطقه‌ای را افزایش می‌دهد 	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد اعتماد میان متحدان منطقه‌ای مانند رژیم صهیونیستی و عربستان
تریگر (۲۰۲۳): چشم‌اندازهای همکاری قدرت‌های بزرگ	<ul style="list-style-type: none"> - تحریم‌های بیشتر علیه ایران می‌تواند اقتصاد ایران را تخریب کند اما تبعات اقتصادی منفی نیز برای ایالات متحده و منطقه خواهد داشت. 	<ul style="list-style-type: none"> - افزایش همکاری‌های استراتژیک با شرکاء برای تقویت امنیت منطقه‌ای و محدودسازی نفوذ ایران

فوائد برای ایالات متحده	هزینه‌ها برای ایالات متحده	گزارش
	- فشار حداکثری می‌تواند به واکنش‌های غیرقابل پیش‌بینی از سوی ایران منجر شود	
- کاهش ریسک درگیری‌های گسترده و مدیریت تنش‌ها	- رویکرد مهار و کاهش تنش ممکن است به ایران زمان بیشتری برای توسعه توانمندی‌های خود بدهد.	کالبرتسون (۲۰۲۲): تجدید سیاست امنیتی ایالات متحده در غرب آسیا

هر یک از گزارش‌ها با بهره‌گیری از مؤلفه‌های هزینه-فایده، تلاش کرده‌اند تا ابزارهای سیاستی ایالات متحده در برابر ایران را ارزیابی کنند. این تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ایالات متحده تلاش دارد با بی‌ثبات‌سازی منطقه غرب آسیا از طریق اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران، نفوذ منطقه‌ای این کشور را کاهش دهد. با این حال، هزینه‌های مرتبط با جلوگیری از نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بسیار فراتر از منافع محدود و احتمالی آن است. تحلیل گزارش‌های اندیشکده رند بر اساس مولفه تصمیم‌گیری عقلایی نشان می‌دهد که این نهاد، به ظاهر در پی اتخاذ بهترین تصمیم‌ها برای محدود کردن نفوذ منطقه‌ای ایران است؛ اما در واقعیت، این سیاست‌ها هزینه‌های گسترده‌ای برای ایالات متحده به همراه داشته است. اعمال تحریم‌های اقتصادی برای محدود کردن منابع مالی ایران نه تنها اقتصاد جهانی و بازار انرژی را متأثر کرده است، بلکه شرکت‌های چندملیتی و متحدان اروپایی و آسیایی ایالات متحده نیز از این اقدامات آسیب دیده‌اند. وابستگی برخی از این کشورها به واردات نفت ایران و تعاملات تجاری با این کشور، تعمیق این آسیب‌ها را به دنبال داشته است. از سوی دیگر، تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه از طریق انباشت تجهیزات نظامی، ایجاد پایگاه‌های جدید، و تأمین سلاح‌های پیشرفته برای شرکا و متحدان منطقه‌ای، فشار قابل توجهی بر بودجه دفاعی آمریکا وارد کرده است. همکاری نزدیک با متحدانی مانند رژیم صهیونیستی و کشورهای حاشیه خلیج فارس برای مقابله با ایران نیز پیامدهای گسترده‌ای داشته است. این همکاری‌ها، علاوه بر تشدید تنش‌ها با قدرت‌هایی نظیر چین و روسیه، منجر به ایجاد اختلافاتی با برخی کشورهای اروپایی شده که به دنبال کاهش تنش‌ها هستند. حمایت از رژیم‌هایی که ناقض حقوق بشر به شمار می‌آیند (مانند عربستان سعودی) نیز اعتماد جهانی به رهبری آمریکا را تضعیف کرده است. افزون بر این، اختلافات

داخلی بین جناح‌های سیاسی در ایالات متحده درباره رویکرد مناسب در قبال ایران (مانند فشار حداکثری در مقابل دیپلماسی) یکپارچگی استراتژی آمریکا را تضعیف کرده است. نگاهی به نتایج این اقدامات نشان می‌دهد که این استراتژی‌های ترکیبی نه تنها به کاهش نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران منجر نشده، بلکه باعث تقویت جبهه مقاومت و افزایش اثرگذاری ایران در منطقه شده است. از سوی دیگر، این سیاست‌ها برای ایالات متحده هزینه‌های چندبعدی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی ایجاد کرده‌اند. در نهایت، موفقیت این راهبردها تنها در صورتی ممکن است که منافع حاصل از کاهش نفوذ ایران بر هزینه‌های آن پیشی بگیرد، امری که تا کنون محقق نشده است. تحولات حساس و مهم اخیر در منطقه غرب آسیا، به ویژه پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ نیز نشان‌دهنده شکست استراتژی فشار حداکثری و در نتیجه افول نفوذ آمریکا در این منطقه است و افزایش انگذاری ایران در منطقه، تقویت جبهه مقاومت و تضعیف جایگاه آمریکا در منطقه، همگی از پیامدهای این استراتژی ناکام بوده است. تحلیل هزینه‌ها و فواید استراتژی فشار حداکثری نشان می‌دهد که این استراتژی نه تنها به اهداف خود نرسیده است، بلکه باعث افزایش هزینه‌ها و پیچیدگی‌های بیشتر در منطقه شده است و ایران با اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه و بهره‌گیری از فرصت‌های ایجاد شده، توانسته است از این بحران خارج شده و نفوذ خود را در منطقه تقویت کند.

نتیجه‌گیری

اتاق‌های فکر در آمریکا به ویژه پس از جنگ جهانی دوم رشد چشمگیری داشته‌اند و به نهادهای مهمی در فرآیند سیاست‌گذاری تبدیل شده‌اند. این نهادها با ارائه تحلیل‌های مستقل و علمی، به دولت‌ها کمک می‌کنند تا تصمیم‌های بهتری در زمینه سیاست خارجی بگیرند. در واقع، اتاق‌های فکر به دولت‌ها این امکان را می‌دهند که از منابع دانش و تجربه متخصصان و تحلیل‌گران برای مواجهه با چالش‌های جهانی بهره ببرند. این مراکز علاوه بر اینکه یک منبع ایده‌پردازی برای سیاست‌گذاری محسوب می‌شوند، می‌توانند به‌عنوان منابع فشرده اطلاعات و تحلیل‌های سریع نیز عمل کنند. در شرایط بحرانی یا تغییرات سریع در عرصه بین‌المللی، این نهادها توانایی واکنش سریع دارند و می‌توانند سیاست‌گذاران را با ارائه پیشنهادها دقیق و علمی هدایت کنند.

اندیشکده رند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اتاق‌های فکر ایالات‌متحده، نقشی محوری در شکل‌گیری سیاست خارجی این کشور ایفا می‌کند. تأسیس این اندیشکده در سال ۱۹۴۸ و توسعه تدریجی حوزه فعالیت‌های آن از مسائل نظامی به سیاست‌های بین‌المللی و امنیتی، بیانگر اهمیت راهبردی آن در هدایت و تدوین تصمیم‌گیری‌های کلان سیاست‌گذاران آمریکایی است. رند با برخورداری از ارتباطات نزدیک با نهادهای نظامی، امنیتی، و جاسوسی ایالات‌متحده، به‌ویژه در دوره‌های حساس تاریخی، به ارائه راهبردهایی پرداخته که منافع آمریکا را در محیط‌های پیچیده و پویای بین‌المللی تضمین کند. اما در مورد گزارش‌های این اندیشکده در مورد جمهوری اسلامی ایران باید گفت که گزارش‌های آن در بازه زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ بر مهار نفوذ منطقه‌ای ایران متمرکز بوده‌اند. این گزارش‌ها نشان می‌دهند که ایران به‌عنوان تهدیدی برای منافع راهبردی آمریکا در غرب آسیا دیده می‌شود. از این رو، رند راهبردهای متنوعی مانند تحریم اقتصادی، تقویت اتحادهای منطقه‌ای، جنگ نیابتی، بازدارندگی نظامی و بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک را پیشنهاد داده است. اما با توجه به اینکه چارچوب نظری این پژوهش، مدل تصمیم‌گیری عقلایی بود، ابزاری مناسب برای تحلیل فرآیند تدوین این راهبردها فراهم ساخت. این مدل بر اصل محاسبه هزینه‌ها و فایده‌ها استوار است و فرض می‌کند که تصمیم‌گیرندگان، گزینه‌هایی را انتخاب می‌کنند که منافع آن‌ها را بیشینه سازد. بر این اساس، گزارش‌های رند به شیوه‌ای ساختارمند تهیه شده‌اند:

- ۱. شناسایی مشکل:** مسئله اصلی برای ایالات‌متحده، افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران، حمایت از گروه‌های مقاومت و تقویت روابط با قدرت‌هایی نظیر روسیه و چین بوده است.
- ۲. رتبه‌بندی اهداف:** اهداف اصلی شامل مهار نفوذ ایران، حفظ برتری نظامی و اقتصادی در منطقه و جلوگیری از ایجاد ائتلاف‌های استراتژیک علیه منافع آمریکا بوده‌اند.
- ۳. شناسایی گزینه‌ها:** گزینه‌هایی نظیر تحریم‌های اقتصادی، جنگ نیابتی، تقویت حضور نظامی، و حمایت از مخالفان داخلی ایران پیشنهاد شده است.
- ۴. تحلیل هزینه-فایده:** هر راهبرد با تحلیل هزینه‌ها (مانند اثرات منفی تحریم بر اقتصاد جهانی یا بی‌ثباتی منطقه‌ای ناشی از جنگ‌های نیابتی) و فواید (مانند کاهش منابع ایران برای حمایت از گروه‌های مقاومت) ارزیابی شده است.

۵. انتخاب و اجرای ترکیبی از گزینه‌ها: رند بر استفاده هم‌زمان از ابزارهای مختلف

تأکید کرده و راهبردهای ترکیبی را برای افزایش کارآیی توصیه کرده است. این تحلیل نشان می‌دهد که اندیشکده رند به‌عنوان یک از مهم‌ترین بازوهای فکری و پژوهشی سیاست خارجی آمریکا، با ارائه تحلیل‌های به‌ظاهر علمی، به‌دنبال تأمین منافع راهبردی ایالات متحده است. وابستگی ساختاری رند به منابع نظامی و امنیتی آمریکا، دیدگاه‌های آن را به سمت راهبردهای تقابلی سوق داده است. با این حال، نتایج عملی نشان می‌دهد که بسیاری از راهبردهای پیشنهادشده به دلیل پیچیدگی‌های محیط منطقه‌ای و مقاومت ایران در برابر فشارها، نتوانسته‌اند به‌طور کامل اهداف آمریکا را محقق کنند. رند، در تلاش برای حفظ هژمونی آمریکا، از ابزارهای متنوعی استفاده می‌کند؛ اما تجربه نشان داده که این ابزارها در برابر پیچیدگی‌های منطقه‌ای، به‌ویژه توانایی ایران در بهره‌گیری از ابزارهای نامتقارن، کارآیی محدودی داشته‌اند. تحلیل چارچوب نظری و گزارش‌های رند نشان می‌دهد که گرچه این اندیشکده به‌طور سیستماتیک تلاش کرده تا تصمیمات عقلانی و مبتنی بر منافع بلندمدت آمریکا را پیشنهاد دهد، اما تأثیرات پیش‌بینی‌نشده و هزینه‌های جانبی این سیاست‌ها همچنان چالشی اساسی برای سیاست‌گذاران آمریکایی باقی مانده است.

پیشنهاداتی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال اندیشکده رند

۱. شناخت دقیق اندیشکده رند: رصد و پایش مستمر گزارش‌ها، سمینارها و سایر فعالیت‌های اندیشکده رند برای شناخت دقیق دیدگاه‌ها و راهبردهای این اندیشکده در قبال جمهوری اسلامی ایران و ایجاد یک سامانه متمرکز برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات مربوط به این اندیشکده رند؛
۲. خنثی‌سازی راهبردهای اندیشکده رند: گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی با کشورهای منطقه برای خنثی‌سازی سیاست‌های ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای برای مقابله با هژمونی ایالات متحده؛
۳. استفاده از ظرفیت‌های داخلی: حمایت از اندیشکده‌های داخلی برای تولید محتوا و ارائه تحلیل‌های دقیق در مورد مسائل، استفاده از نظرات و ایده‌های نخبگان دانشگاهی، سیاسی و اجتماعی؛

۴. بیشتر تمرکز بر تقویت جبهه مقاومت: مقاله به این نکته اشاره دارد که حمایت از گروه‌های مقاومت و ایجاد اتحادهای منطقه‌ای یک استراتژی کلیدی است که ایران باید آن را ادامه دهد و تحکیم بخشد؛

۵. استفاده از ابزارهای دیپلماتیک: بر اساس تحلیل‌های مقاله، ایران می‌تواند از ابزارهای دیپلماتیک و اقتصادی در جهت تقویت روابط خود با کشورهای هم‌پیمان یا طرف‌های ثالث برای تضعیف سیاست‌های بازدارندگی آمریکا بهره برد.

فهرست منابع

- باوندی، سید احمد. (۱۴۰۰). نقش اتاق‌های فکر در شکل‌گیری سیاست خارجی اوباما و ترامپ در قبال ایران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ثمودی، علیرضا، رضاخواه، علیرضا. (۱۳۸۸). اتاق‌های فکر و سیاست خارجی آمریکا. تهران: نشر راه‌دان، مرکز پژوهشی آموزشی کوثر.
- جمشیدی، محمد. (۱۳۹۴). تأثیر فرایند توافق هسته‌ای بر ادراک آمریکا از عقلانیت راهبردی ایران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵، ۲۱-۴۰.
- کوچک‌زاده، تهمتن؛ گودرزی، مهناز؛ رضا، رضا. (۱۳۹۷). نظریه انتخاب عقلانی: دخالت روسیه در سوریه و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال شانزدهم، شماره ۷۳، ۱۵-۳۷.
- گوهری مقدم، ابوذر. (۱۳۹۹). سیاست خارجی آمریکا در عصر جدید (۱۹۰۰-۲۰۲۰). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- معراجی، ابراهیم. (۱۴۰۰). نقش اندیشکده‌ها در سیاست خارجی آمریکا. تهران: نشر صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- طلعی حور، رهبر. (۱۴۰۱). نقش بنیاد دفاع از دموکراسی در سیاست خارجی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۱۲(۴۵)، ۲۷-۴۷.
- Abella, A. (2009). *Soldiers of Reason: The RAND Corporation and the Rise of the American Empire*. Harcourt.
- Bennett, A. (2016). *International Relations Theory and the End of the Cold War*. *The International History Review*, 38(2), 223-247.
- Bougebrayel, T.N. (2012). *The influence of think tanks on United States foreign policy: The case of President Obama and Iran* (Master's thesis, Lebanese American University).
- Camerer, C. F., Weber, M. (2013). *Recent Developments in Modeling Preferences: Uncertainty and Ambiguity*. In *Handbook of the Economics of Risk and Uncertainty* (Vol. 1, pp. 500-522). North Holland.
- Corbin, J., Strauss, A. (2014). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks, California: Sage Publications.
- Culbertson, S., Shatz, H.J., Stewart, S. (2022). *Renewing U.S. Security Policy in the Middle East* (Research Report No. RRA904-1). RAND Corporation. <https://www.rand.org/t/RRA904-1>
- Elster, J. (2007). *Explaining Social Behavior: More Nuts and Bolts for the Social Sciences*. Cambridge University Press.
- Friedman, M. (2009). *The Methodology of Positive Economics*. In *Essays in Positive Economics* (pp. 3-43). University of Chicago Press.
- Fuller, G. "The Center of the Universe: The Geopolitics of Iran." Rand Corporation. www.tower.com
- Haass, R.N. (2002). *Think tanks and U.S. foreign policy: A policy-maker's perspective*. *U.S. Foreign Policy Agenda*, 7(3), 5-8.
- Jervis, R. (1999). *The Meaning of the Nuclear Revolution: Statecraft and the Prospect of Armageddon*. Cornell University Press.

- Little, P.M. (2016). *Think Tanks and Influence on US Foreign Policy: The People and the Ideas* (Monograph). School of Advanced Military Studies, United States Army Command and General Staff College.
- Mallory, K., Germanovich, G., Welburn, J.W., Smith, T.D. (2023). *Burdensharing and Its Discontents: Understanding and Optimizing Allied Contributions to the Collective Defense* (Research Report No. RR4189z1). RAND Corporation. <https://www.rand.org/t/RR4189z1>
- Martini, J., Radin, A., Demus, A., Marcinek, K., Masicot, D., Pfrommer, K., Rhoades, A. L., Sachs, C., Sudkamp, K.M., Thaler, D.E., Woodworth, D., Zeigler, S.M. (2023). *Detering Russia and Iran: Improving Effectiveness and Finding Efficiencies* (Research Report No. RRA971-1). RAND Corporation. <https://www.rand.org/t/RRA971-1>
- North, D.C. (1990). *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*. Cambridge University Press.
- Ostrom, E. (2005). *Understanding Institutional Diversity*. Princeton University Press.
- Rich, A., McGann, J., Weaver, K., Garnett, M., Thunert, M., Speth, R., Traub-Merz, R., & Ye, Y. (2011, September). *Think Tanks in Policy Making – Do They Matter?* Special Issue Briefing Paper, Shanghai.
- Schodek, D. (1988). *Landmarks in American Civil Engineering*. MIT Press, Cambridge, pp. 40-41.
- Shafir, E. (2019). *Deciding for Others: The Problem of Social Choice*. In *The Handbook of Social Choice and Welfare* (Vol. 2, pp. 103-154). Elsevier.
- SHALBAK, IHAB. (2015). *The Birth of Think Tanks: History, Theory, and Politics in the Long American Century*. School of The Arts and Media, University of New South Wales.
- Smith, A. (2010). *Think Tanks and American Politics: The RAND Corporation's Role in U.S. Foreign Policy*. Princeton University Press.
- Smith, J. (2023). *A New U.S. Policy Paradigm Toward Iran*. RAND Corporation.
- Tabatabai, A. M., Martini, J., & Wasser, B. (2021). *The Iran Threat Network (ITN): Four Models of Iran's Nonstate Client Partnerships*. RAND Corporation.
- Treyger, E., Rhoades, A. L., Vest, N., Beauchamp-Mustafaga, N., Cohen, R. S., & Clark, A. (2023). *Assessing the Prospects for Great Power Cooperation in Europe and the Middle East* (Research Report No. RRA597-3). RAND Corporation. <https://www.rand.org/t/RRA597-3>
- Tullock, G. (1981). *Why So Much Stability?* In *The Theory of Public Choice* (pp. 213-230). University of Michigan Press.
- Watts, S., Frederick, B., Chandler, N., Toukhan, M., Curriden, C., Mueller, E.E., Geist, E., Tabatabai, A.M., Plana, S., Corbin, B., Martini, J. (2023). *Proxy Warfare in Strategic Competition: State Motivations and Future Trends* (Research Report No. RRA307-2). RAND Corporation. <https://www.rand.org/t/RRA307-2>
- Weber, M. (2017). *Rationality and Public Policy*. Cambridge University Press